

ندا و احمد فقط شش روز بود که با هم ازدواج کرده بودند، اما زندگی مشترک آنها بعد از شش روز برای همیشه تمام شد. تازه داماد به طرفداری مادرش با همسرش اختلاف پیدا کرد.

قاضی عموزادی، رئیس شعبه ۲۶۸ دادگاه خانواده پس از بررسی پرونده زوج جوان از آنها می پرسد: دلیل درخواست جدایی شش روز بعد از ازدواج چیست؟

مرد پاسخ می دهد: آقای قاضی همسر من به مادر من اصلاً احترام نمی گذارد. من تازه در این شش روز فهمیده ام که اگر بخوام با ندا زندگی مشترک را ادامه دهم به مادر من بی حرمتی کرده ام. او ادامه می دهد: زمانی که با ندا نامزد کردم، مادر من با ازدواج من مخالف بود. او همیشه می گفت ندا به درد زندگی با من نمی خورد. با این حال به خاطر علاقه ای که به او داشتم به خواسته مادر من توجهی نکردم و پام را در یک کفش کردم و گفتم

درخواست طلاق ۶ روز بعد از ازدواج

که می خواهم با ندا ازدواج کنم. حتی به جانبداری از او با مادر من درگیر هم شدم. من و ندا با هم نامزد کردیم و در این مدت هر چه مادر من می گفت که ندا به او احترام نمی گذارد تصور می کردم به دلیل این که از ندا خوشش نمی آید این حرفها را می زند. اما پس از عروسی من بود که متوجه شدم مادر من راست می گوید. دو روز بعد از عروسی، یک شب مادر من زنگ زد و گفت که دلش تنگ شده و می خواهد به خانه ما بیاید. وقتی به ندا موضوع را گفتم او شروع به داد و بیداد کرد و گفت؛ حوصله غذا درست کردن و پذیرایی از مادر من را ندارد. با این حال به او گفتم مادر من شب می آید و من نمی توانم او را به خانه ام راه ندهم. آن شب مادر من به خانه ما آمد و من در کمال

تعجب وقتی به خانه آمدم، دیدم ندا هیچ غذایی درست نکرده و به مادر من احترام نمی گذارد. همان شب بعد از رفتن مادر من با او دعوا کردم و در حرفهایش متوجه شدم باید از همان روز اول به حرف مادر من گوش می دادم. همسر من نباید به مادر من بی احترامی کند. برای همین دیگر نمی خواهم با او زندگی کنم.

بعد از حرفهای مرد، زن جوان می گوید: من هم دیگر نمی خواهم با مردی زندگی کنم که مادرش را به من ترجیح می دهد و به خواستههای من توجهی نمی کند. احمد دروغ می گوید که به حرف مادرش گوش نمی کرده، او از همان روز اول هر چه مادرش می گفت را انجام می داد. همیشه تحت تاثیر حرفهای مادرش با من دعوا

می کرد. حتی جشن عروسی و مراسم عقد را آنطوری برگزار کردیم که مادرش دستور داده بود. دیگر تحمل زندگی با احمد را ندارم و هر دویمان تصمیم گرفته ایم از هم جدا شویم.

بعد از حرفهای این تازه عروس و داماد، قاضی سعی کرد این زوج را از طلاق منصرف کند، ولی وقتی اصرار آنها را دید، رسیدگی به این پرونده را به جلسه بعد موکول کرد.

شما چه فکر می کنید؟

برای ما به شماره ۳۰۰۰۱۱۲۲۴ پیامک بزنید و بنویسید در این پرونده مقصر احمد است یا ندا؟